

تحلیل تطبیقی تفسیر آیه ۴ سوره نحل درالمیزان و تسنیم

حبیب‌الله حلودار^۱

فاطمه پورمهدی امیری^۲

چکیده

تشکیل نطفه انسان فرآیندی پیچیده و شگفت‌انگیز است که با لقاح تخمک توسط اسپرم آغاز شده و با رشد درمحیط رحم به انسان کاملی تبدیل می‌شود. این موضوع به‌طور مستقیم با اساس زیست‌شناسی و تکامل انسان مرتبط است. نطفه مرحله اولیه از رشد جنین است و این انسان کامل، با فطرتی پاک اما با شاکله‌ای معین رشد و نمو می‌کند. خدای سبحان، طی مراحل آفرینش انسان و رابطه او با مبدأ فاعلی خویش را در قرآن کریم آیه ۴ سوره نحل، بیان کرد که انسان خصیم مبین است. این جستار که به روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده به این سوال پاسخ می‌دهد که تحلیل تفسیر تطبیقی آیه ۴ سوره نحل درالمیزان و تسنیم چیست؟ اهم نتایج بدست آمده بیانگر این است که؛ «مقصود از خلقت انسان، خلقتی است که در نوع انسان جریان می‌یابد و آن قرار دادن نسل انسان از نطفه است. تشابه دیدگاه علامه و صاحب تسنیم در این است که هر دو از سیاق استفاده می‌کنند ولی تفاوت دیدگاه این دو مفسر در این است که علامه طباطبائی با سیاق قبل این آیه، آن را دشمنی معنا می‌کند و صاحب تسنیم با سیاق بعد این آیه، آن را حمایت و پشتیبانی می‌داند. و در نگاه پژوهشگران، «خصیم» به دو معناست، یکی اینکه؛ دشمن و مخالفت‌کننده با حق و حقیقت است و به کسی اطلاق می‌شود که با اهداف و دستورات الهی به مقابله می‌پردازد و از راه مستقیم دوری می‌کند و یا به معنای پشتیبانی بوده مانند؛ بسیاری از انبیا و ائمه و اولیای الهی، خلیفه شایسته و برحق هستند پس خصیم به معنای پشتیبان است.

واژگان کلیدی: انسان خصیم، مراحل آفرینش انسان، نطفه.

^۱ - دانشیار گروه قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران، استاد راهنما: jloudar@umz.ac.ir

^۲ - نویسنده مسئول، دانش آموخته سطح ۴ مدرسه علمیه عالی حوزوی حضرت خدیجه (س) بابل، همراه: ۰۹۱۱۲۱۸۰۳۹۷، ایمیل: f.pourmahdi92@gmail.com

عوامل طبیعی، مجرای اراده خداوند است. خداوند ماده اصلی پیدایش انسان را نطفه معرفی می کند، در عین حال خلقت او را به خود نسبت می دهد و این، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که عوامل طبیعی، مجراهای تحقق اراده خداوند سبحان انسان می باشد. خالق هستی انسان را از نطفه ناچیز آفرید و با ربوبیت خویش او را به مرحله احسن المخلوقین رساند؛ چون در خلقت انسان خداوند برخورد تبریک گفته و خود را «أحسن الخالقین» معرفی کرده است و این موجود را خلیفه و جانشین خود، در زمین معرفی کرد.

خالق تعالی، از مراحل آفرینش انسان، در قرآن کریم بارها سخن به میان آورده است و مراحل آفرینش انسان و رابطه او با مبدأ فاعلی خویش را، بیان نموده است. یکی از آیات آفرینش؛ در آیه ۴ سوره نحل آمده است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ» مبدأ آفرینش و خلقت انسان، نطفه‌ی بی‌ارزشی است؛ که انسان، چیز قابل‌ذکری نبود، وقتی از همین نطفه بی‌ارزش یک انسان کامل می‌شود غرور و تکبر وجودش را فرامی‌گیرد دچار فراموشی می‌شود و حقیقت را از یاد می‌برد؛ و راه دشمنی با خالقش، باخودش و مخلوقات دیگر درپیش گرفت؛ لیکن وی به‌جای شکرگزاری از این همه نعمت، جدال و حق‌ناشناس شد. در مورد معنی «خَصِيمٌ مُبِينٌ» دشمن آشکار» دو قول گفته شده است: «یکی از آنها این است که او از نطفه آنچه را که ویژگی اوست پدید آورد، پس این بزرگترین درس است. دوم؛ چون او را آفرید و قدرت داد، از طرف خودش وارد اختلاف شد که در آن خود را آشکار ساخت. (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۳۶۱) درحالی که این نطفه کوچک، توانایی خدا برای اخراج او از اسپرم است؛ و انسان باید به نعمت‌های خداوند در انتقال این مقام خلقت از نطفه نگاه می‌کرد و شکر نعمت را به‌جا می‌آورد. انسان با ضایع کردن حق خدا با نزاع مرتکب شده است. این نگاه شامل دوم این آیه بوده که خداوند فرمود: «فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ» و در این نوشتار در صدد تبیین این بررسی علامه طباطبائی و جوادی آملی و داوری میان این دو نظر هستیم.

و جمله «خلق الانسان من نطفه» اشاره به استدلال به بدن انسان و بر وجود صانع حکیم و جمله «فإذا هو خصيم المبين» اشاره به استدلال به احوال نقص انسان بر وجود آفریننده‌ای حکیم است. و قسمت بعدی آیه اشاره بر «خصيم بودن» دارد که؛ خصيم یا به معنای دشمن و مخالفت‌کننده با حق و حقیقت است و به کسی اطلاق می‌شود که با اهداف و دستورات الهی به مقابله می‌پردازد و از راه مستقیم دوری می‌کند و یا به معنای پشتیبانی

ویاری نمودن خالق آفرینش در رسیدن به مقصود الهی است. که باتوجه به نظرات اختلافی مفسرین، دراین مقاله مورد بررسی قرارمی گیرد.

از اینکه مفسران پایان آیه را با توجه به ابتدای آن «خلق من نطفه» چه برداشت‌هایی داشتند؟ و نظر علامه طباطبائی و آیه الله جوادی آملی در این امر چیست؟ ضرورت دارد که انسان بداند؛ خداوند به بشر منت گذاشت که او را از یک قطره آبی پست و بی‌ارزش به صورت انسانی کامل الخلقه و ناطق خلق کرد؛ ولی برخی انسان در کمال بی‌شرمی و وقاحت به شرک و دیگر آلودگی‌های نفسانی روی آورده و راه دشمنی برگزیدند و به خالق نعمت‌هایشان، کفر ورزیده و وجود آفریننده‌اش را انکار می‌کنند و چیزی را می‌پرستند که نه به او زیان می‌رساند و نه سود پیش‌تر. معرفت به دلیل انحراف انسان؛ آیا نادانی و تقلیداست و یا منفعت شخصی طبیعت او را جنایتکار کرد؟ هدف از این پژوهش، تحلیل تفسیری واژه‌های نطفه و خصیم مبین در آیه ۴سوره نحل می‌باشد که به درک درستی از این مسائل برسیم.

در پیشینه این موضوع، مقاله «بررسی شبکه معنایی نطفه در قرآن کریم با پاسخ به شبهات» از عبدالرضا زاهدی، صمد اسمی، غلامرضا خوش‌نیت که در دو فصلنامه علمی- پژوهشی انسان پژوهی دینی سال چهاردهم، شماره ۳۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷ به چاپ رسید و در مورد پست انگاری آب منی و عدم توجه به اهمیت آن و نقد و بررسی دیدگاه‌ها درباره «ماء مهین» و آفرینش جنین از نطفه مرد و عدم توجه به نقش نطفه زن..بحث کرده است. مقاله «ستایش و نکوهش انسان در قرآن کریم و تفاسیر» به اقلم علی کربلایی پازوکی؛ سید صدرالدین طاهری، که در نشریه سراج منیر(دانشگاه علامه طباطبائی) پاییز ۱۳۹۴ - شماره ۲۰ به چاپ رسید. در مورد تمام غرایز و صفاتی که ذات انسان بر اساس آن سرشته شده و همچنین بعضی از ویژگی‌های انسان در آیاتی از قرآن موردبررسی قرار داده، و روش انسان در مسیر غیر صحیح و خارج از حد اعتدال، پرداخت. و با مقایسه انسان با موجودات دیگر و عظمت الهی پرداخته، و تعارض ظاهری بین آیات ستایش‌آمیز و نکوهش‌آمیز نیز بحث کرد.

نگارندگان قصد دارند در این پژوهش به تحلیل تطبیقی تفسیر آیه ۴ سوره نحل با نگاه بر المیزان و تسنیم پرداخته و مراحل آفرینش انسان، علت خصیم مبین انسان و ارتباط بین آفرینش نطفه و خصیم بودن انسان را مورد بررسی قراردهند.

۱. مفهوم شناسی

برای شناخت معنای دقیق «نطفه وخصیم» از نگاه لغویون این دو واژه بررسی می‌گردد:

۱.۱.۱. نطفه:

واژه «نطفه» در اصل به معنای تقدیر و اندازه‌گیری بوده، مثلاً وقتی می‌گویند: خلق الثوب معنایش این است که پارچه را برای بریدن اندازه‌گیری کردم. پس، معنای آیه این می‌شود که: ما انسان را در آغاز از چکیده و خلاصه‌ای از اجزای زمین که با آب آمیخته بود اندازه‌گیری کردیم. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۱) در زبان عربی بر معنای متعددی اطلاق شده است؛ از جمله مقدار کمی از آب که معادل آن قطره است. (ابن سیده، بی‌تا، ج: ۹، ص ۱۸۵؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ج: ۹، ص ۳۳۴)؛ سیلان ضعیف چیزی و نیز به معنای آب صاف، مقدار آن زیاد باشد یا کم. (فراهیدی، بی‌تا، ج: ۷، ص ۴۳۶) همچنین به نطفه زن و مرد هردو گفته می‌شود. (فیومی، بی‌تا، ج: ۲، ص ۶۱۱؛ المصطفوی، بی‌تا، ج: ۱۲، ص ۱۵۸) و به‌طور مطلق به آب نیز نطفه گفته شده است.

معنای نطفه این است که: «نطف الماء نطفاً: سال قلیلاً قلیلاً» اندک اندک جریان یافتن و جاری شد. یکی از معانی نطفه، چکیدن است که توأم با صاف‌شده و کم‌کم بودن می‌باشد. (قرشی بنابی، ۱۳۸۶، ج: ۷، ص ۷۸) این کلمه به مرحله ابتدایی و پایه‌ای خلقت انسان اشاره دارد. از نظر زیستی، نطفه اولین مرحله از تشکیل موجود زنده است که در آن سلول‌های جنسی مرد و زن با یکدیگر ترکیب شده و آغاز شکل‌گیری جنین را شروع می‌کنند.

۲.۱.۱. خصیم:

خصیم صفت مشبهه هست که معنای مبالغه دارد؛ یعنی کسی است که اصرار بر خصومت و جدال دارد و گروهی آن را به معنای مدافع و بیانگر درون خویش دانسته‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج: ۱، ص ۲۸۵) «خصم» مصدر «خصیم» به معنای جدال و منازعه است. (لسان العرب، ج: ۱۲، ص ۶۸۱)

«خصام» بحث و مجادله و کشمکش بر سر چیزی است یعنی؛ کسی که بسیار جدال‌گر است این شخص هم با دیگران، هم با خدا و دستورها و احکام او، به جدال می‌پردازد. «نطفه به معنای آب روشن و صاف است» لیله نطوف» یعنی آب باران که تا صبح می‌بارد از آب منی مرد هم به این واژه یاد شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج: ۱، ص ۲۸۵) و به معنای دشمن هم آمده است. (قرشی بنابی، ۱۳۸۶، ج: ۲، ص ۲۵۴) یکی از معانی آن چکیدن است که توأم با صاف شدن و کم‌کم بودن است. انسان را از آبی اندک و بی‌ارزش آفرید، پس آنگاه؛ ستیزه‌جویی آشکار

است. (انصاریان، ۱۳۹۳، ذیل سوره نحل) «خَصِيم» به معنای کسی است که اصرار بر خصومت و جدال دارد و گروهی آن را به معنای مدافع و بیانگر درون خویش دانسته‌اند. (طریحی، ۱۹۸۵، ج ۶، ص ۵۸)

خصیم ریشه این واژه دو معنای اصلی دارد. ۱. منازعه و دشمنی ۲. جانب و طرف ظرف. چون جانب هر چیزی را به یک اصل بازگرداند زیرا در منازعه هر یک از جانب و طرفی حمایت می‌کند. (احمد بن فارس، ج ۲، ص ۱۸۷) منظور آن است که انسان بایبانی رسا به مخاصمه با پروردگار خود می‌پردازد.

باتوجه به معان یان شده توسط لغویون، خصیم به خصومت و جدال و منازعه می‌باشد، یعنی کسی که در خصومت و جدال خود اصرار می‌ورزد و یا به معنای پشتیبانی و جانب بوده برای کسی که در مسیر هدایت الهی قرار گیرد.

۲. تفسیر آیه ۴ سوره نحل

آیه ۴ سوره نحل که به مبدأ آفرینش انسان اشاره دارد، مخاطب اصلی بخش آغازین آن مشرکانی هستند که؛ توحید ربوبی و هدف آفرینش را فراموش کرده‌اند. در جاهای دیگر قرآن، به مراحل آفرینش انسان اشاره شده است، شبیه این آیه «أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ» (یس/ ۷۷) لکن در این آیه بطور اختصار، می‌فرماید: انسان را از نطفه‌ای آفرید. این نطفه، همین که بصورت انسانی کامل در آمد، با خویشتن بخصومت پرداخت و از «ما فی الضمیر» خود پرده برداشت. بدین ترتیب خداوند متعال پست‌ترین و عالی‌ترین مراحل خلقت آدمی را بیان می‌کند، تا بر کمال و قدرت خود استدلال کند. «یعنی انسان، موجودی است که بوسیله باطل به جدال می‌پردازد و خصومت او آشکار است، بنابراین، مقصود این است که خداوند انسان را آفرید و به او قدرت بخشید و او به خصومت پرداخت. ضمناً آیه، متضمن کنایه‌ای است به انسان که: نعمت خداوند را تضييع می‌کند.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ص ۲۲۸) «عجیب است که انسان بداند او را از نطفه خواری آفریده‌ایم، پس از این که مخالف و مجادله است تعجب می‌کند.» (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۱۱) «از آنجایی که آیات بسیاری که در این معنا در قرآن کریم آمده در مقام بیان بی‌شرمی و وقاحت بشر است، بهتر این است که این آیه را نیز حمل بر همین معنا کرده بگوییم می‌خواهد پررویی و وقاحت بشر را برساند و او را بر این بی‌شرمی‌اش توبیخ کند، علاوه بر این، ذیل آیه قبلی هم که خدا را از شرک مشرکین منزّه می‌کرد مؤید این احتمال است.» (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۲۱۱) «باینکه انسان اوصاف و ویژگی‌های خلقت آسمان‌ها و زمین را می‌بینند و درباره آن مطالعه و بحث می‌کنند،

را اداره کنیم شناخته‌ایم. نفس، یک‌طرف آن به خداوند وصل است و یک‌طرف آن دست انسان است. آیت‌الله جوادی آملی ادعا دارند؛ نفس آن‌قدر قوی است که می‌تواند رابطه تنگاتنگی با خداوند داشته باشد. وی بایان اینکه در علم النفس می‌گویند، نفس می‌تواند به آنجا برسد که وحی پذیر باشد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ب: ۱۵، ص ۱۱۹) ایشان بر این باور است که علم به خویشتن از راه حصولی ناتمام بوده و تنها راه علم به خود، علم حضوری است. وی در این باره می‌نویسد: «نفس، باینکه شناخت آن قابل انکار نیست، هرگز به حس و بلکه به علم حصولی و از طریق مفاهیم و یا تصدیقی شناخته نمی‌شود.» (همان، ص ۱۱۹)

نفس انسان تأثیر زیادی بر رفتارهای او دارد و تقویت و تربیت صحیح نفس می‌تواند به کاهش رفتارهای خصمانه کمک کند. آموزه‌های اخلاقی و روحانی در بسیاری از فرهنگ‌ها و مذاهب نیز بر کنترل و مدیریت نفس تأکید دارند. «انسان از نطفه آفریده شده است که مقصود نسل بشر است پس نزاع بر دو جنبه است؛ یکی اینکه به معنای گوینده‌ای است که از طرف خود نزاع می‌کند و دوم؛ این است که در مورد پروردگارش و دینش نزاع می‌کند و این در مورد کافران است.» (ابن جزی، ۱۴۱۶. ق، ج ۱، ص ۴۲۲)

دیدگاه پژوهشگران این جستار این است که؛ نفس آن‌قدر قدرتمند است که مرگ را می‌میراند چراکه قرآن می‌گوید نفس «ذائقه الموت» است. نفس انسان یا همان خواسته‌ها و تمایلات درونی، می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای خصمانه و یا رفتار الهی داشته باشد. غرور و خودخواهی می‌تواند منجر به بی‌توجهی به نیازها و احساسات دیگران شود. این نوع نگرش می‌تواند به رفتارهای خصمانه دامن بزند. یا حسادت و رقابت ناسالم می‌تواند به خشم و خصومت نسبت به دیگران منجر شود. افرادی که به موفقیت‌های دیگران حسادت می‌کنند، ممکن است رفتارهای خصمانه‌ای از خود نشان دهند. دلیل دیگر که به رفتار خصمانه کمک می‌کند؛ ترس از دست دادن جایگاه یا قدرت می‌تواند فرد را به رفتارهای خصمانه ترغیب کند. همچنین؛ تجربیات منفی گذشته و عقده‌های روانی می‌تواند به رفتارهای خصمانه در فرد منجر شوند. لذا خواسته‌ها و تمایلات سرکوب شده می‌توانند به خشم و رفتارهای خصمانه منجر شوند.

اما در میان بشر، افرادی هستند که با نطفه پاک آفریده شده و برترین موجودات در هر دو عالم می‌باشند. این افراد مانند پیامبران، انبیاء و اولیای الهی، نشانه‌ای از مظهر وجود و تجلی خالق خود بوده و به چنان مقامی دست یافتند که گزینه کامل مقام عبودیت را دارند و در زمین نشانه و آیت معبود خویشند.

۴. نتیجه

خداوند تعالی، از مراحل آفرینش انسان، در قرآن کریم بارها سخن به میان آورده است و ماده اصلی پیدایش انسان را نطفه معرفی می‌کند، در عین حال خلقت او را به خود نسبت می‌دهد. بیانگر این حقیقت است که عوامل طبیعی، مجرای تحقق اراده خداوند برای خلقت انسان، می‌باشد.

باتوجه به خلقت انسان از نطفه و سپس تبدیل شدن او به موجودی که توانایی ستیزه‌جویی و بحث‌وجدل دارد، یکی از آیات که بیانگر این مسئله می‌باشد؛ آیه ۴ سوره نحل است. این نشان‌دهنده قدرت و توانایی‌های بی‌نظیر خالق است که انسان را از یک ماده ساده و اولیه شکل داد و سپس به موجودی پیچیده و دارای توانایی‌های فکری و احساسی و... تبدیل کرد. این فرآیند تحولی، نشانه‌ای از قدرت و حکمت خداوند است.

از مجموع کلام علامه طباطبائی، به این امر می‌رسیم که؛ انسان بداند از نطفه خواری آفریده شده، پس از آن شروع به مخالف و مجادله با خالق هستی پرداخت و خداوند از میان همه مخلوقات، به خلقت انسان اشاره کرده است. دلیل جایگاه و اهمیتی است که انسان در مقایسه با سایر مخلوقات دارد. انسان یا یکی از عجیب‌ترین مخلوقات است و طریق کمالی که از باطنش شروع و به ظاهرش منتهی می‌شود، از دنیایش آغاز و به آخرتش ختم می‌گردد.

کلام جوادی آملی، در تسنیم پیامگر آن است که؛ خصیم‌بین بودن همچون دیگر صفات رذیله در انسان به طبیعت او باز می‌گردد انسان از نظر فطرت که صفات پسندیده به آن باز می‌گردد مکرم است. اما از حیث طبیعت خلقت از خاک و نطفه خصیم‌طور ظلوم و جهول هلوع جزوه منوه و... است خدا در بیش از ۵۰ آیه انسان طبیعت‌گرا را به سبب داشتن این صفات رذیله نکوهش کرده است.

تشابه دیدگاه علامه و صاحب تسنیم در این است که هر دو از سیاق استفاده می‌کنند ولی تفاوت دیدگاه این دو مفسر در این است که علامه طباطبائی با سیاق قبل این آیه، آن را دشمنی معنا می‌کند و صاحب تسنیم با سیاق بعد این آیه، آن را حمایت و پشتیبانی می‌داند.

ادعا نگارندگان در این جستار این است که؛ مخاصمه به معنای عام است هم بار مثبت دارد و هم منفی، مخاصمه مثبت مانند: تنازع فرشته‌ها در ملکوت اعلا که لذت بخش است و انسان در رقابت با ملائک کسب رتبه عالین نموده و یا در خداوند در خلقت هستی و کائنات شدند، اما خصیم‌المبین به متکلم شر و متخاصم هم برمی‌گردد

و نشانه انسان جدالگر با خالق آفرینش دارد که به جای شکر گزاری مسیر مخالفت در پیش گرفته که یا با خود یا با دیگران و یا با خداوند ساز مخالفت سردادند.

منابع

*قرآن

۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۲. ابن جزی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶ق)، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: شرکت دار الأرقم بن أبی الأرقم.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی تا)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل، (بی تا)، المحکم و المحيط الأعظم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. احمد بن فارس، احمد، (۱۳۵۸ش)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الفکر.
۶. امین، سیده نصرت، (۱۳۶۱)، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۷. انصاریان، حسین، (۱۳۹۳)، ترجمه قرآن کریم، تهران: نشر تلاوت.
۸. بقاعی، ابراهیم بن عمر، (۱۴۲۷ق)، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، (۱۴۳۰ق)، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، اردن: دار الفکر.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۷)، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم: اسراء.
۱۱. _____، (۱۳۹۶)، تسنیم، قم: اسراء.
۱۲. _____، (۱۳۸۹)، تفسیر موضوعی قرآن کریم* توحید در قرآن، قم: اسراء.
۱۳. _____، (۱۳۹۴)، انسان از آغاز تا انجام، قم: اسراء.
۱۴. _____، (۱۳۹۸)، تفسیر انسان به انسان، قم: اسراء.
۱۵. حلبی، علی اصغر، (۱۳۷۷)، مبانی عرفان و احوال عرفانی، تهران: اساطیر.
۱۶. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، (۱۴۰۳ق)، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر.
۱۷. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، کلام جدید، قم: مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲ق)، المفردات، بیروت: دارالقلم.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۰. سبحانی، یدالله، (۱۳۸۷)، قرآن مجید، تکامل و خلقت انسان، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۱. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۲)، مدخل مسائل جدید در علم کلام، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۲۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم: مرعشی نجفی (ره).
۲۳. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۸، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. _____، (۱۳۷۱)، انسان از آغاز تا انجام، ترجمه و تعلیقات، صادق لاریجانی، تهران: الزهراء.
۲۵. _____، (۱۳۶۱)، آغاز پیدایش انسان، تهران: بنیاد فرهنگی امام رضا (ع).
۲۶. _____، (۱۳۸۴)، مباحث علمی در تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. طالقانی، محمود، (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۲۹. _____، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۳۰. طریحی، فخرالدین، ۱۹۸۵م، مجمع البحرین، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. الفیومی، احمد بن محمد، (بی تا)، المصباح المنیر، قم: مؤسسه دار الهجره.
۳۴. الفراهیدی، خلیل بن احمد، (بی تا)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۳۵. قرشی بنائی، سید علی اکبر، (۱۳۹۱)، تفسیر احسن الحدیث، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۳۶. _____، (۱۳۸۶)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. قرائتی، محسن، (۱۳۷۵)، در سهایی از قرآن، تهران: انتشارات صد او سیما.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، قم: دار الکتب.
۳۹. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، (۱۳۳۶)، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامی.
۴۰. کاشفی، حسین بن علی، (۱۳۶۹)، تفسیر حسینی (مواهب علیّه)، سراوان: نور.
۴۱. کوپلند، پیتر، و دین هیمر، (۱۳۸۴)، نقش ژن ها در شکل گیری شخصیت، مترجم: علی متولی زاده اردکانی، تهران: چهر.
۴۲. ماوردی، علی بن محمد، (بی تا)، النکت و العیون تفسیر الماوردی، ۶ جلد، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۴۴. _____، (۱۳۸۰ش)، ترجمه قرآن، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۴۵. محقق، محمد باقر، (۱۳۶۱)، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، تهران: اسلامی.

۴۶. المصطفوی، حسن، (بی تا)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب.
۴۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، توحید، تهران: انتشارات صدرا.
۴۸. میلر، گری، (۱۳۸۴م)، قرآن شگفت انگیز، فصلنامه پیام جاویدان سال سوم، شماره ۹.